انترناسیونال 809

گفتگو با اصغر کریمی درمورد سیل در استان های کشور

**دغدغه مقامات دزدی و کنترل حجاب و سرکوب اعتراضات است نه نیازهای مردم**

وقوع سیل در شماری از استان های ایران با تلفات انسانی و خسارات سنگین بهمراه بوده است. در حالیکه مردم با صدمات ناشی از این فاجعه گرفتار شده اند، صحبت از قریب الوقوع بودن سیل در استان های دیگر و در تهران میشود. در این رابطه با اصغر کریمی صحبت میکنیم.

**خلیل کیوان:** انتقادهای گسترده ای نسبت به حکومت در میان مردم و در مدیای اجتماعی و مطبوعات در جریان است. مردم رژیم را مسئول فاجعه سیل و پیامدهای آن می دانند. در اطلاعیه حزب هم به این مساله پرداخته شده است. این فجایع تا چه حد امری طبیعی و به چه میزان در نتیجه سیاست های حکومت میباشد؟

**اصغر کریمی:** اجازه بدهید با چند مثال پاسخ این سوال را بدهم. امام جمعه شیراز گفته است شهرداری مسیر سیل را تبدیل به بلوار کرده است. شمخانی گفته است هم بخش خصوصی، و هم بخش دولتی در واقعه شیراز مقصرند. شهرداری شیراز اما گفته است که چندین بار به سپاه در مورد مسدود کردن مسیل رودخانه جهت ساختمان سازی اخطار دادیم ولی بازرسان، ما را بازداشت کردند و حتی به بازرسان دادگستری فارس اجازه بازدید از پادگان سپاه زنگی را ندادند. آیا جای شکی در اینکه خود حکومتیان مسئول فاجعه شیراز هستند باقی میماند! راه خروجی سیل را بسته اند و سیل بر سر مردم خراب شده است. در استان گلستان نیز موقعی که مردم تهدید کردند که اگر حکومت اقدام نکند خودمان خط راه آهن را تخریب میکنیم تا آب راه خروجی پیدا کند، یک ارگان نظامی با تاخیر زیاد با تخریب بخشی از راه آهن مسیر خروج آب را باز کرد و با این اقدام آبی که خانه و زندگی مردم آق قلا را گرفته بود مقداری فروکش کرد. بعلاوه اکنون معلوم شده است که تعدادی از آیت الله ها و مقامات حکومتی سالها مشغول جنگل خواری بوده اند که این هم یک عامل موثر سرازیر شدن سیل بوده است.

طبق آمارهای مختلف میلیون ها هکتار از مساحت جنگل ها و مراتع کشور در طول حیات جمهوری اسلامی نابود شده است. علاوه بر اینها، مردم سدهای زیادی در نقاط مختلف کشور بصورت غیر کارشناسانه ساخته شده و بخاطر سودجویی مقامات سطح آب این سدها بالا نگهداشته شده و اکنون با آمدن باران سرریز شده است. مقاماتی اعتراف کرده اند که تعدادی از سدها کهنه است و خطر شکستن آنها وجود دارد و در صورت شکستن آنها ابعاد فاجعه به مراتب بیشتر از فاجعه کنونی خواهد بود. اینها را هم خیلی از مردم میدانستند و هم فعالین محیط زیست بارها هشدار داده بودند. اما حکومت بجای پاسخگویی آنها را روانه زندان کرد.

همین چند مثال بخوبی نقش تعیین کننده دولت در ایجاد این فاجعه را نشان میدهد. به این مساله خانه های با کیفیت پایین که با فقر و بدبختی ساخته میشود و با هر سیل و زلزله ای روی سر مردم خراب میشود را هم اضافه کنید.

اما پیشگیری یک بخش مساله است و رسیدگی به مصیبت هایی که در جریان این سیل و سیل ها و زلزله های قبلی اتفاق افتاده اند یک وجه دیگر مساله است که اینجا دیگر طبیعت کاملا بیگناه است.

حکومتی که دست به ایجاد تاسیسات اتمی میزند و ادعا میکند که ماهواره به فضا پرتاب میکند و به آخرین صنایع تسلیحاتی خود را مجهز کرده است، نه آمادگی دارد و نه حاضر است مردم سیل زده را بسرعت از مناطق خطر دور کند و آنها را در جای مناسبی اسکان دهد و به تغذیه و نیازهای درمانی آنها رسیدگی کند.

از مدیریت بحران صحبت میکنند. اما مشکل همانطور که گفته شد از مدیریت نیست خانه از پای بست ویران است. اما در زمینه مدیریت هم جمهوری اسلامی کارنامه کاملا سیاهی دارد. مهمترین وظایف استانداران و فرمانداران و سایر مقامات شهر و استان مقابله با حجاب و اعتصاب و اعتراض تعریف شده است. کشاندن مردم به مسجد و نماز جمعه، برای اوباش حاکم و مقامات شهری و استانی آنها، اولویت بیشتری نسبت به مسائل و مشکلات واقعی مردم دارد. رقابت باندهای مختلف حکومت در پر کردن جیب های خود فاکتور مهمتری برای مقامات ریز و درشت حکومت است. با این توصیفات بحث را به ضعف مدیریت نسبت دادن امتیاز دادن به حکومت است. حکومتیان مشکل را در مدیریت و این کابینه و آن کابینه و این مدیر و آن مدیر آنهم از جناح مقابل ربط میدهند تا نظام را از زیر ضرب اعتراض و انتقاد مردم بیرون ببرند. دستگیری فعالین محیط زیست و بی توجهی به هشدارهای آنها و یا ممنوع کردن کمک رسانی مستقیم مردمی به سیل زدگان ربطی به مدیریت ندارد. هنوز پس از شانزده ماه از زلزله در غرب کشور، پنجاه درصد زلزله زدگان سر پل زهاب طبق گفته یکی از نمایندگان مجلس اسلامی، در چادر و کانکس زندگی میکنند. این مربوط به نظام فاسد و دزدسالار اسلامی است.

ما با یک نظام دزدسالار اسلامی مواجهیم. در تمام طول چهل سال حاکمیت اسلامی و در دوران تمام رئیس جمهورها و مقامات مختلف وضع بر همین منوال بوده است. نتیجه چنین حاکمیتی بهتر از این نمیتواند باشد. ابعاد بالقوه فاجعه، مثل شکستن سدهای کهنه در خوزستان تا زلزله در شهرهایی مانند تهران و اصفهان صدها بار بزرگتر از این حرف ها است. در یک کلام عامل کل فجایعی که با هر سیل و زلزله ای نصیب مردم میشود، نه گرمایش کره زمین (گلوبال ورمینگ) و تغییرات آب و هوایی، بلکه تماما جمهوری اسلامی است.

**خلیل کیوان:** حزب کمونیست کارگری حکومت را بخاطر جلوگیری از کمک های مستقیم مردمی به سیل زدگان محکوم کرده است و در عوض مردم را به همیاری با سیل زدگان فراخوانده است. در همبستگی با سیل زدگان و برای کمک به آنها چه کارها و اقداماتی می توان صورت داد؟ چه تغییرات ریشه ای باید در کشور صورت گیرد تا در آینده لطمات ناشی از این نوع حوادث به حداقل ممکن کاهش یابد؟

**اصغر کریمی:** مهمترین تغییر ریشه ای برای مقابله با لطمات ناشی از سیل و زلزله جراحی حکومت اسلامی از جامعه است. و هر مبارزه و متحد شدن و متشکل شدن و همیاری مردمی و همبستگی با مردم آسیب دیده را نیز باید بعنوان بخشی از همین جراحی ارزیابی کرد. جمهوری اسلامی فعالین محیط زیست را سالها است دستگیر میکند و آنها را متهم به جاسوسی میکند. با جاری شدن سیل در استانهای کشور نیز جمع آوری کمک مالی از طریق نهادهای مردمی را ممنوع اعلام کرده و خط و نشان کشیده است که کسانی که بزرگنمایی میکنند تحت تعقیب قرار میگیرند. در جریان زلزله بم و ورزقان و سر پل زهاب تا توانست از حضور مردمی که همراه با کمک های جنسی میرفتند تا به زلزله زدگان کمک کنند جلوگیری کرد. اینها بخشی از اقدامات حکومتی است که نه به فکر پیشگیری است و نه به فکر کمک رسانی موثر و جلو مردم را هم تا میتواند سعی میکند بگیرد. کمتر حکومتی اینچنین وقیح و رذل و ضدمردمی بوده است.

مردم البته گوششان بدهکار نیست. دارند خبررسانی میکنند، با جمع آوری کمک و حضور مستقیم خود در مناطق آسیب دیده به یاری همنوعانشان میروند و انساندوستی خود را به نمایش میگذارند. تیم های امداد و کاروانهای کمک از استانهای مختلف بطرف سیل زدگان شمال روانه شده است. در شیراز خانه هایشان را در اختیار سیل زدگان قرار داده اند. نهادها و شبکه های همیاری در دانشگاه ها و بسیاری از نقاط دیگر شکل گرفته است. هم سیل زدگان و هم فعالین بسیاری دارند خبررسانی و به روایت حکومت "بزرگنمایی" میکنند و مشکلات سیل زدگان و نیازهای فوری آنها را به اطلاع افکار عمومی میرسانند. حکومت از همه اینها وحشت دارد. از تماس مردم با هم و شکل گرفتن همبستگی وحشت دارد و از افشای مشکلات مردم نگران است چون خود کارنامه مثبتی ندارد. اما حکومت توان کنترل نیمی از بدنه خود را هم ندارد چه برسد به کنترل مردم.

باید شبکه های همبستگی را گسترش داد. هرچه بیشتر به جمع آوری کمک پرداخت و با اعزام تیم های کمک رسانی به مناطقی که سیل زدگان نیاز دارند به یاری آنها شتافت. باید از شرایط در هر منطقه و بی توجهی حکومت لحظه به لحظه و از همه مناطق اطلاع رسانی کرد و نیازهای فوری هر بخش از سیل زدگان را به اطلاع جامعه رساند. خود سیل زدگان با پر کردن کلیپ و افشای بی توجهی حکومت نقش مهمی تا این لحظه داشته اند.

اما علاوه بر همیاری که تاثیر بسیار مهمی در کاهش مشقات سیل زدگان دارد، باید حکومت را تحت فشار گذاشت تا امکانات مالی و انسانی لازم را برای رفع مشکلات سیل زدگان تخصیص دهد. امکانات اقتصادی و تجهیزاتی مانند بال گردها و غیره در قبضه حکومت است. باید در سطح سراسر کشور به هر شکل ممکن دست به تجمع زد و اعتراض کرد، بیانیه داد و فشار را بر حکومت بیشتر کرد. کمترین خواست مردم کمک رسانی فوری و با تمام امکانات به سیل زدگان و اسکان آنها در بهترین امکانات موجود از هتل ها تا ویلاهای مقامات و آیت الله ها، رسیدگی فوری به تغذیه و نیازهای گرمایشی و درمانی سیل زدگان، پرداخت کامل غرامت به دهها هزار نفر از مردمی که دار و ندارشان را از دست داده اند و همینطور محاکمه کلیه مقامات و مسئولانی است که عامل قربانی کردن دهها نفر از مردم، مصدوم شدن صدها نفر و سایر مصائب مردم شده اند. تعدادی از مقامات تحت فشار مردم دارند اعتراف میکنند که دولت عامل مستقیم فجایع سیل در شیراز و گلستان بوده است. حال که خود مشغول اعتراف به نقش جنایتکارانه خود هستند، باید حساب هم پس بدهند و این کار مردم را راحت تر میکند. این باید حرف مردم باشد که خودتان اعتراف میکنید، بنابراین غرامت ها را هم تماما جبران کنید و عوامل مسئول را محاکمه کنید. بنظر من اعتراض مردم با گذشت زمان عمیق تر میشود. حکومت به سادگی حاضر نیست سر کیسه را شل کند و به مردم غرامت بپردازد، باید اعتراض را گسترش داد و همبستگی با سیل زدگان را همه جا شکل داد. سیل زدگان باید میزان خسارت به خود را روشن کنند و اعلام کنند و از حکومت غرامت بخواهند و کوتاه نیایند. نهادها و تشکل های مختلف کارگری و معلمان و نویسندگان و بازنشستگان و دانشجویان و نهادهای مربوط به محیط زیست و غیره همه موظفند این مساله را به یک موضوع دائمی تجمعات و اعتراضات خود تبدیل کنند و این خواست ها را به گفتمان وسیع مردم تبدیل کنند. مسائل و مشکلات زلزله زدگان در سالهای گذشته را نیز باید دوباره زنده کرد. معضلات مردم شامل با مرور زمان برطرف نشده که کهنه شده باشد.

**خلیل کیوان:** فاجعه سیل، منجر به سیل دیگری شده است؛ سیل انتقاد سیاسی علیه حکومت، سیل خشم و اعتراض به حکومت. مردم با هشتگ " سیل دولت را ببرد" حکومت را مسئول این وضعیت می دانند. بار دیگر گفتمان اداره شورایی مطرح است. جایگاه این اعتراضات و گفتمان شورایی را در اوضاع فعلی چگونه می بینید؟

**اصغر کریمی:** گفتمان شورایی که در برخی دانشگاهها و در میان فعالین براه افتاده است، ادامه گفتمانی است که توسط اسماعیل بخشی برای اداره شورایی نیشکر هفت تپه مطرح شد و در سطح دانشگاه ها و فعالین به گفتمان وسیعی تبدیل شد. سیل و عواقب آن اهمیت همبستگی و سازمانیابی مردم برای حل و فصل مسائل خود را بیش از پیش ملموس و به یک ضرورت تبدیل کرده است. حکومت سعی میکند هرجا بتواند جلوی متشکل شدن و همبسته شدن مردم را بگیرد. اما لاقیدی و ناتوانی یا عدم تمایل حکومت برای رفع مشکلات مردم چندان در این نوع حوادث برجسته میشود که مردم خود دست به کار میشوند. اگر این حکومت یک ذره احساس مسئولیت داشت باید از این آمادگی انسانی استقبال میکرد. اما جمهوری اسلامی درست عکس آن عمل میکند. سیل و زلزله متاسفانه باز هم اتفاق می افتد به هردرجه گفتمان شورایی و تجربه کار شورایی جا افتاده باشد مردم آماده تر و موثرتر شروع به سازماندهی کمک میکنند و مصائب را کاهش میدهند. باید گفتمان اداره شورایی را با تمام قوا دامن زد. بعنوان یک اقدام فوری در مناطق سیل زده مردم باید بصورت شورایی متشکل شوند، نمایندگانی انتخاب کنند و بخواهند که کلیه کمک ها زیر نظر خود آنها میان سیل زدگان توزیع شود. در دل این اتفاقات که مردم به حرکت درمیایند باید ایده و خواست بدست گرفتن امور خود و اداره شورائی جامعه را هرچه بیشتر گسترش داد و آنرا تثبیت کرد. نه تنها برای به حداقل رساندن عواقب فجایعی نظیر سیل و زلزله بلکه برای پاسخگونی به فساد و چپاول و بی تامینی و فقر و بیحقوقی که در جامعه بیداد میکند باید متشکل شد، جمهوری اسلامی را بزیر کشید و اداره جامعه را خود در دست گرفت. تنها حکومت شورائی میتواند امور جامعه را در خدمت اکثریت عظیم مردم و نه یک درصدیهای مفتخور حاکم، اداره کند.